



Journal of

Architectural and Environmental

Research



DOI: 10.30470/jaer.2026.2089193.1217

Spatial Pattern Analysis of Pahlavi II-Period Residential Houses in Ahvaz's Amaniye Neighborhood

Shirin Heydari¹ , Mohsen Afshari^{2*} , Rouhollah Mojtahedzadeh³

1. Master's Degree, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. shirinheydari1997@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.afshary@au.ac.ir.

3. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Civil and Architectural Engineering, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. r.mojtahed@scu.ac.ir.

Research / Review Article

Abstract

*Corresponding Author:

Mohsen Afshari
m.afshary@au.ac.ir.

Received: 2026/01/20

Accepted: 2026/03/06

Keywords: Housing Spatial Organization, Formal Typology, Housing, Pahlavi II Architecture, Amaniye Neighborhood, Ahvaz.

The houses of the Pahlavi II period in the Amaniye neighborhood of Ahvaz are organized based on the structural interaction of three spatial layers—open, covered, and enclosed spaces. This configuration departs from the traditional central-courtyard pattern and is instead grounded in a linear-entrance organization with an intermediate covered layer. Analysis of 38 existing houses shows that the courtyard determines the building's orientation and entrance axis, covered spaces such as service yards-back yards-, terraces, and balconies function as transitional mediators between outside and inside, and enclosed spaces—including bedrooms, living rooms, reception areas, and kitchens—form the residential core of the house. The typology of interior subspaces further indicates that these spaces are arranged according to recurring patterns shaped by functional differentiation between everyday and formal domains, maintaining a direct relationship with the three-layer spatial structure. The aim of the study is to identify and explain the spatial organization patterns of these houses and clarify how the interaction among open, covered, and enclosed layers relates to the configuration of interior subspaces. This objective is achieved by defining patterns as generative mental structures of spatial relations and by integrating three-layer spatial analysis with subspace typology. Despite limitations such as reliance on existing samples and restricted access to some buildings, coherent spatial patterns were extracted, enabling a more precise understanding of residential structure in this period. The findings show that the identified patterns can be applied in comparative studies across different neighborhoods of Ahvaz or other cities of the Pahlavi II era and may serve as a basis for future analyses concerning repetition, climatic variation, and socio-economic influences on the spatial organization of housing in this period.

Cite this article: Heydari, Sh., Afshari, M., & Mojtahedzadeh, R. (2026). Spatial Pattern Analysis of Pahlavi II-Period Residential Houses in Ahvaz's Amaniye Neighborhood. *Journal of Architectural and Environmental Research*, 3 (5), 132-152. <https://doi.org/10.30470/jaer.2026.2089193.1217>



Print ISSN: 2588-6363
Online ISSN: 2981-247X

<https://jaer.znu.ac.ir/>

Authors



University of Zanjan



تحلیل الگوهای فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه اهواز

نام و نام خانوادگی شیرین حیدری^۱ ID، محسن افشاری^۲ ID، روح الله مجتهدزاده^۳ ID

۱. کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: Shirinheydari1997@gmail.com

۲. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: m.afshary@au.ac.ir

۳. دانشیار، گروه معماری، دانشکده مهندسی عمران و معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: r.mojtahed@scu.ac.ir

مقاله پژوهشی

چکیده:

خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه اهواز بر پایه تعامل ساختاری سه لایه فضاهای باز، پوشیده و بسته سازمان می‌یابند؛ ساختاری که از الگوی سستی حیاط مرکزی فاصله گرفته و بر سازمان خطی - ورودی با لایه میانی پوشیده استوار است. تحلیل ۳۸ خانه موجود نشان می‌دهد که حیاط جهت‌گیری بنا و محور ورود را تعیین می‌کند. فضاهای پوشیده همچون حیاط‌خوت، تراس و بالکن نقش واسط میان بیرون و درون را دارند و فضاهای بسته شامل اتاق خواب، نشیمن، پذیرایی و آشپزخانه هسته سکونت خانه را شکل می‌دهند. گونه‌شناسی جزء فضاهای داخلی نیز بیان می‌کند که این فضاها در قالب الگوهای تکرارشونده و تابع تفکیک عملکردی میان عرصه روزمره و رسمی سازمان می‌یابند و با سه‌گانه فضایی پیوند مستقیم دارند. هدف پژوهش، شناسایی و تبیین الگوهای سازمان فضایی این خانه‌ها و روشن‌سازی نحوه تعامل سه لایه باز - پوشیده - بسته با ساختار جزء فضاهای داخلی است. این هدف با تعریف الگو به‌عنوان ساختاری ذهنی و مولد روابط فضایی و از طریق تلفیق تحلیل سه‌گانه فضایی و گونه‌شناسی جزء فضاها محقق شده است. باوجود محدودیت‌هایی همچون وابستگی به نمونه‌های موجود و دشواری دسترسی به برخی بناها، الگوهای فضایی منسجم قابل استخراج بودند و امکان تحلیل دقیق‌تری از ساختار سکونت این دوره را فراهم کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای به‌دست‌آمده قابلیت استفاده در مطالعات تطبیقی میان محلات مختلف اهواز یا دیگر شهرهای دوره پهلوی دوم را دارند و می‌توانند مبنایی برای تحلیل‌های آینده درباره تکرارپذیری، تفاوت‌های اقلیمی و تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی بر شکل‌گیری سازمان فضایی مسکن این دوره فراهم کنند و درک جامع‌تری از سازوکارهای فضایی این دوره ارائه دهند.

* نویسنده مسئول:

محسن افشاری
m.afshary@au.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

انتشار مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵

واژگان کلیدی:

سازمان فضایی مسکن، گونه‌شناسی فرمی، مسکن، معماری پهلوی دوم، امانیه اهواز.



مقدمه

سازمان فضایی خانه، نظامی است که نحوه استقرار، ارتباط و کارکرد فضاهای باز، بسته و پوشیده را تعیین می‌کند و همچون شبکه‌ای نامرئی، تمامی ریز فضاهای یک واحد مسکونی را در بر می‌گیرد و آن‌ها را در پیوند با ساختار فضایی کلان قرار می‌دهد. این سازمان فضایی، علاوه بر تنظیم روابط میان عناصر داخلی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فضایی و تجربه زیست‌محیطی ساکنان دارد؛ امری که در معماری معاصر، به‌ویژه در خانه‌هایی که فاقد نشانه‌ها و عناصر ماندگار معماری هستند، به چالشی جدی تبدیل شده است. خانه، چه در گذشته و چه در دوران معاصر، یکی از مهم‌ترین فضاهای ساخته‌شده برای انسان بوده و از سوی اندیشمندان به‌عنوان بازتابی از خود، فرهنگ و شیوه زیست انسان تلقی شده است. از این منظر، مطالعه ساختار فضایی خانه‌ها نه تنها به شناخت الگوهای سکونت کمک می‌کند، بلکه امکان تحلیل تحولات اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم می‌سازد. در شهر اهواز، تحولات کالبدی و فضایی طی دوره‌های مختلف توسعه شهری، به‌ویژه در دوره پهلوی دوم، سبب دگرگونی‌های گسترده در الگوی سکونت و سازمان فضایی خانه‌ها شده است و محله‌هایی چون امانیه، به‌عنوان یکی از نخستین پهنه‌های توسعه‌یافته اهواز جدید، نمونه‌ای شاخص از این تغییرات را در خود جای داده و با حفظ بخش قابل توجهی از خانه‌های دوره پهلوی دوم، بستری مناسب برای تحلیل ساختار فضایی این دوره فراهم می‌کند. این دوره بخشی از معماری مهندسی‌ساز و معماری دستوری شکل گرفته تحت اوامر ملوکانه پهلوی اول است و در این پژوهش تلاش می‌شود بخشی از این معماری دستوری و سازوکارهای فضایی آن شناخته شود. باوجود این اهمیت، سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه اهواز جدید، به‌صورت نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته بررسی نشده است. اغلب مطالعات موجود، بر توصیف کالبدی یا گونه‌شناسی کلی خانه‌ها تمرکز داشته‌اند و نقش روابط فضایی در شکل‌گیری کیفیت زیست‌پذیری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر مفهوم الگو در فضای معماری، در پی آن است که ساختارهای تکرارشونده سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه را شناسایی و تحلیل کند. هدف اصلی، استخراج الگوهای فضایی حاکم بر نحوه استقرار، ارتباط عملکردی و سلسله‌مراتب میان فضاهای باز، پوشیده و بسته و تبیین نقش این الگوها در کیفیت زیست‌پذیری خانه‌های مورد مطالعه است. بر این مبنا، مسئله اصلی پژوهش، نبود چارچوبی روشن برای تحلیل الگوهای سازمان فضایی در خانه‌های دوره پهلوی دوم و فقدان شناخت دقیق از روابط میان سه گانه فضایی در این بافت است. در راستای این مباحث، سؤال اصلی پژوهش آن است که گونه‌شناسی خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه اهواز چه گونه‌های فرمی را در بر می‌گیرد و این گونه‌ها چگونه با روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته در سازمان فضایی این خانه‌ها پیوند می‌یابند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکردی کاربردی و کیفی - تحلیلی و با هدف تحلیل سازمان فضایی و گونه‌شناسی فضاهای باز، بسته و پوشیده در خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه اهواز جدید انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش، شناخت و مستندسازی الگوهای فضایی این خانه‌ها در برابر چالش‌هایی همچون تخریب، تغییر کاربری و کمبود اسناد تاریخی است؛ از این رو، داده‌های میدانی و اسنادی نه صرفاً برای توصیف کالبد بنا، بلکه برای بازسازی ساختار فضایی و استخراج الگوهای سازمان فضایی به کار گرفته شده‌اند. گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده مستقیم، برداشت میدانی، مستندنگاری معماری، تحلیل اسناد و نقشه‌های موجود و بررسی تصاویر هوایی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۶ انجام شده است. تصاویر هوایی با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل و با وضعیت فعلی تطبیق داده شده‌اند تا روند تحول فضایی در محدوده مورد مطالعه آشکار شود. با این حال، نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش به طور مشخص شامل خانه‌هایی هستند که در بازه زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ ساخته شده‌اند و به دوره پهلوی دوم تعلق دارند؛ این خانه‌ها از میان بخش‌هایی از محله انتخاب شده‌اند که با وجود دگرگونی‌های اخیر، همچنان سازمان فضایی اولیه خود را حفظ کرده‌اند. در این پژوهش، گونه‌شناسی و تحلیل سازمان فضایی بر مبنای سه دسته فضای باز، پوشیده و بسته، با الهام از ساختار ارائه‌شده در کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت انجام شده است. این سه گانه فضایی به‌عنوان لایه‌های اصلی مدل فضایی پژوهش عمل می‌کند. ابتدا روابط کلی میان فضاهای باز، پوشیده و بسته در هر خانه به‌صورت یکپارچه شناسایی و تحلیل شده است تا الگوی کلی سازمان فضایی و نحوه پیوند این سه دسته فضا مشخص شود؛ سپس فضاهای جزء در هر دسته - مانند اتاق خواب، نشیمن، پذیرایی، آشپزخانه، بالکن، تراس، و حیاط خلوت - از نظر کالبدی، عملکردی و ارتباطی بررسی شده‌اند تا الگوهای فضایی در سطح خرد نیز استخراج شوند. در این فرایند،

مفهوم «الگو» به عنوان ساختاری ذهنی و کلی که نظم و ارتباط میان عناصر فضای معماری را برقرار می کند، مبنای تحلیل قرار گرفته است؛ به این معنا که از تکرار روابط فضایی در نمونه های متعدد، ساختارهای تکرارشونده استخراج و در قالب جداول تحلیلی نمایش داده شده اند. محدوده پژوهش در بخش هایی از اهواز جدید قرار دارد؛ پهنه ای که شکل گیری آن عمدتاً بین سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۷۰ و به ویژه در دهه های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی رخ داده و بخش مهمی از دوره دوم و سوم توسعه شهر را در بر می گیرد. این پهنه شامل محله هایی چون امانیه، کیانپارس، زیتون کارمندی، ملی راه، بخش هایی از پادشهر و گلستان است که همگی با ویژگی هایی مانند شبکه بندی شطرنجی، قطعه بندی بزرگ اراضی و معابر عریض از بافت مرکزی شهر متمایز می شوند. تمرکز اصلی پژوهش بر محله امانیه است؛ محدوده ای در بخش غربی اهواز که پیش تر «امینه» یا «امینیه» نامیده می شد و با شبکه ای منظم از خیابان های متقاطع - از جمله خیابان کاخ (فلسطین فعلی) و خیابان شاه (امام موسی صدر فعلی) - یکی از شاخص ترین نمونه های توسعه پهلوی دوم در اهواز به شمار می رود. انتخاب این محله از آن رو صورت گرفته است که امانیه یکی از محدود بخش های اهواز است که هنوز تعداد قابل توجهی از خانه های قابل مطالعه دوره پهلوی دوم را در خود حفظ کرده است؛ هرچند بخش هایی از آن در سال های اخیر دستخوش تخریب و تغییر کاربری شده اند. این ویژگی، همراه با تنوع نمونه ها و انسجام کالبدی محله، امکان تحلیل دقیق الگوهای فضایی و مقایسه میان نمونه ها را فراهم می کند و آن را به بستری مناسب برای مطالعه تحول معماری مسکونی نیمه دوم قرن بیستم تبدیل می سازد.

پیشینه پژوهش

مفهوم فضا از دیرباز در اندیشه معماری جایگاهی بنیادین داشته است. افلاطون در تیمائوس فضا را «خرف همه چیز» می داند و آن را بستر ظهور اشکال معرفی می کند (زوی^۱، ۱۳۸۸، ص ۱۹). در معماری، این مفهوم از اوایل قرن نوزدهم با آثار شلینگ^۲ مطرح شد و در نوشته های ریگل^۳، ولفلین^۴ و اشمارسو^۵ جایگاهی ساختاری یافت؛ اندیشمندانی که بر تقدم «طراحی فضا» بر «طراحی شیء» تأکید کرده اند (فن مایس^۶، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). در نیمه قرن بیستم، برونو زوی فضا را بنیادی ترین عنصر معماری معرفی کرد و هنری لوفور^۷ بر نقش اجتماعی و نمادین آن تأکید گذاشت (لوفور، ۱۳۹۶، ص ۱۸۷). در ادبیات معاصر ایران نیز معماریان چهار عنصر مصالح، سازه، فضا و فرم را ارکان اصلی هر بنا می داند (معماریان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳). این دیدگاه ها چارچوبی نظری برای درک سازمان فضایی و روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته فراهم می کنند، اما به طور مشخص به الگوهای فضایی خانه های دوره پهلوی دوم در اهواز نمی پردازند. در میان نظریات مرتبط با فضا، مفهوم الگو جایگاه ویژه ای دارد. الگو امری ذهنی و کلی است که نظم و ارتباط میان عناصر فضای معماری را برای رفع نیازهای انسانی برقرار می کند و برخلاف مدل یا سرمشق، بازتابی یک نمونه عینی نیست، بلکه ساختاری مولد است که از تجربه زیسته و تکرار روابط فضایی در نمونه های متعدد حاصل می شود (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۴). این تعریف، مبنای نظری پژوهش حاضر در تحلیل الگوهای فضایی خانه های دوره پهلوی دوم است. با وجود اهمیت این مفهوم، در ادبیات موجود کمتر پژوهشی به استخراج الگوهای فضایی در خانه های معاصر ایران پرداخته است. در حوزه خانه های تاریخی ایران، پژوهش های متعددی به تحلیل ساختار فضایی پرداخته اند.

حائری مازندرانی (۱۳۸۸) سازمان فضایی خانه های تاریخی ایران را بررسی کرده و آن را با معماری معاصر تطبیق داده است. رجبعلی (۱۳۹۲) گونه شناسی خانه های گرگان در دوره قاجار و پهلوی اول را تحلیل کرده و تحولاتی چون تغییر در میزان حریمیت را آشکار ساخته است. روح الامین (۱۴۰۱) جایگاه و هندسه فضایی حوض خانه ها را در اصفهان تحلیل کرده و مثالی (۱۳۹۶) کیفیت فضایی خانه های کوچک یزد را بررسی کرده است. نعمتی (۱۳۹۱) سازمان فضایی خانه های تاریخی اصفهان را تحلیل کرده و خاکپور و همکاران (۱۳۸۹) گونه شناسی خانه های رشت را بر اساس عوامل اقلیمی و فرهنگی ارائه داده اند. قاسمی سیپانی و معماریان (۱۳۸۹) نیز گونه شناسی خانه های قاجاری اصفهان را تحلیل کرده اند. در سطح نظری، معماریان (۱۳۸۷) با ارائه گونه شناسی مسکن درون گرا و برون گرا، چارچوبی جامع برای تحلیل الگوهای بومی مسکن در ایران فراهم کرده است. این مطالعات اگرچه به شناخت ساختار فضایی خانه های تاریخی کمک کرده اند، اما عمدتاً بر گونه شناسی توصیفی متمرکز بوده اند و کمتر به تحلیل الگوهای فضایی و روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته پرداخته اند.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های جدیدی با رویکرد تحلیلی و مبتنی بر روش‌های فضایی منتشر شده‌اند که اهمیت تحلیل روابط فضایی را در شناخت الگوهای سکونت‌ی نشان می‌دهند. ملکوتی و ملکی^۸ (۲۰۲۵) با تحلیل شش خانه سنتی ایران نشان می‌دهند که انعطاف‌پذیری این خانه‌ها حاصل هندسه دقیق، تنوع فضایی و سازمان‌دهی مبتنی بر ورودی‌ها و اتصالات چندگانه است. محقق^۹ و همکاران (۲۰۲۶) در مطالعه خانه‌های صفوی، قاجار و پهلوی در ایبانه نشان می‌دهند که با وجود تفاوت‌های هندسی، فضاهای مرکزی با اتروپی کمتر از یکپارچگی و نقش فضایی بالاتری برخوردارند و اصول مشترک سازمان‌دهی فضایی در دوره‌ها تداوم یافته است. رضائی^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۴) نیز دگرگونی‌های ناشی از مدرنیته در خانه‌های ایرانی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که حذف حیاط، تغییر ورودی‌ها و تحول کارکرد فضاها موجب شکل‌گیری الگوی جدیدی از سکونت شهری شده است. این مطالعات نشان می‌دهند که تحلیل روابط فضایی و استخراج الگوهای فضایی رویکردی معتبر و قابل‌اتکا در پژوهش‌های معماری معاصر است.

در حوزه مسکن معاصر، پژوهش‌هایی چون عینی‌فر و قاضی زاده (۱۳۸۹) درباره‌ی نقش فضای باز در مجتمع‌های مسکونی و راپاپورت^{۱۱} (۱۳۹۸) درباره‌ی نقش فرهنگ در شکل‌گیری نظم فضایی مسکن انجام شده است. زارع و همکاران (۱۳۹۰) رابطه طبیعت و حیاط مرکزی را در خانه‌های سنتی کاشان بررسی کرده‌اند. مسائلی (۱۳۸۹) تغییرات سکونت‌ی خرمشهر پس از جنگ را تحلیل کرده و بر ضرورت طراحی متناسب با شیوه زندگی مردم منطقه تأکید کرده است. قلمبر دزفولی و همکاران (۱۳۹۵) نیز چارچوبی برای ارزیابی کیفیت مسکن ارائه داده‌اند. با این حال، این مطالعات نیز بیشتر بر تحلیل عملکردی یا فرهنگی فضاها تمرکز داشته‌اند و کمتر به استخراج الگوهای فضایی در خانه‌های دوره پهلوی دوم پرداخته‌اند.

در زمینه شهر اهواز، پژوهش‌هایی چون مجتهدزاده و نام‌آور (۱۳۹۱) روند توسعه‌ی شهر را بررسی کرده و نقش دوره‌ی پهلوی دوم را در شکل‌گیری الگوهای جدید سکونت نشان داده‌اند. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵) تنوع فضایی و چالش‌های زیست‌محیطی اهواز را تحلیل کرده‌اند و زیاری و همکاران (۱۳۹۶) نقش معیارهای اجتماعی - فرهنگی را در انتخاب محل سکونت برجسته کرده‌اند. عطاریان و صفرعلی‌نجار (۱۳۹۷) نیز ویژگی‌های اقلیمی خانه‌های سنتی اهواز را بررسی کرده‌اند. همچنین خواجه‌برج‌سفیدی و سلطانی (۱۳۹۲) روند رشد شهری اهواز را با مدل مارکوف و سلول‌های خودکار بررسی کرده و پیامدهای آن بر کیفیت محیطی و توسعه پایدار را نشان داده‌اند. با وجود این مطالعات، سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله‌ی امانیه و تحلیل الگوهای فضایی آن‌ها هنوز به‌صورت نظام‌مند انجام نشده است.

مرور این پیشینه‌ها نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های ارزشمندی درباره‌ی معماری ایران، کیفیت فضایی، خانه‌های تاریخی و ساختار کالبدی شهر اهواز انجام شده است، اما تحلیل الگوهای فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم - به‌ویژه در محله امانیه - در ادبیات موجود غایب است. مطالعات پیشین عمدتاً بر گونه‌شناسی توصیفی یا تحلیل کالبدی متمرکز بوده‌اند و روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته و نقش آن‌ها در شکل‌گیری کیفیت زیست‌پذیری کمتر بررسی شده است؛ بنابراین، خلأ اصلی پژوهش حاضر، نبود چارچوبی روشن برای استخراج و تحلیل الگوهای سازمان فضایی در خانه‌های دوره پهلوی دوم است؛ خلایی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن است.

مفاهیم نظری پژوهش

در معماری معاصر، فضا نه یک عنصر منفرد، بلکه شبکه‌ای از روابط عملکردی، ادراکی و معنایی میان اجزای مختلف بنا تلقی می‌شود (گروتز^{۱۲}، ۱۳۸۸). محمدرضا حائری (۱۳۹۳) و (۱۳۸۸)، بر این نکته تأکید می‌کنند که فضا نه تنها ظرف فعالیت‌های انسانی است، بلکه ساختاری پویا و معنادار دارد که از طریق روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته قابل تحلیل است. رودولف آرنه‌هایم^{۱۳} (۱۳۹۴) بر نقش ادراک بصری و روابط میان عناصر فضایی تأکید دارد و کریستوفر الکساندر^{۱۴} (۱۳۹۶) فضا را شبکه‌ای از الگوهای تکرارشونده می‌داند که در کنار هم ساختار کلی معماری را شکل می‌دهند. این دیدگاه‌ها مبنایی فراهم می‌کنند تا سازمان فضایی خانه‌ها نه به‌عنوان مجموعه‌ای از فضاهای منفرد، بلکه به‌عنوان ساختاری یکپارچه از روابط فضایی تحلیل شود.

در میان نظریات مرتبط با فضا، مفهوم «الگو» جایگاه ویژه‌ای دارد و مبنای اصلی تحلیل در این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، الگو امری ذهنی و کلی است که نظم و ارتباط میان عناصر فضای معماری را به‌منظور رفع نیازهای انسانی برقرار می‌کند. الگو برخلاف مدل یا سرمشق، بازنمایی عینی یک نمونه نیست، بلکه ساختاری مولد است که از تجربه زیسته، تکرار فضایی و مشاهده نمونه‌های متعدد حاصل

می شود و می تواند در قالب دیگرام های فضایی نمایش یابد (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۴). در این پژوهش، الگو به عنوان ساختاری تعریف می شود که روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته را در یک خانه تعیین می کند و از تکرار این روابط در نمونه های متعدد قابل استخراج است؛ بنابراین الگو نه شکل ظاهری فضا، بلکه نظم حاکم بر نحوه استقرار، اتصال، سلسله مراتب و کارکرد فضاهاست.

برای تحلیل سازمان فضایی خانه های دوره پهلوی دوم، سه دسته فضای اصلی به عنوان بنیان مدل نظری پژوهش در نظر گرفته شده است: فضاهای باز، فضاهای پوشیده و فضاهای بسته. این تقسیم بندی با الهام از ساختار ارائه شده در خانه، فرهنگ، طبیعت صورت گرفته است، این سه دسته به عنوان سه لایه فضایی در مدل نظری عمل می کنند که الگوهای فضایی از روابط میان آن ها استخراج می شود. فضاهای باز شامل حیاط و عرصه های بیرونی اند که نقش تنظیم کننده اقلیمی و سازمان دهنده کلی بنا را دارند. فضاهای پوشیده همچون تراس، بالکن و حیاط خلوت، لایه میانی میان فضای داخلی و بیرونی را تشکیل می دهند و کیفیت گذار، نیمه حریمیت و اتصال فضایی را تعیین می کنند. فضاهای بسته شامل اتاق ها، نشیمن، پذیرایی و آشپزخانه اند که عرصه های اصلی سکونت را شکل می دهند. در این مدل، سازمان فضایی خانه از طریق نحوه قرارگیری این سه دسته فضا نسبت به یکدیگر و نوع ارتباط میان آن ها قابل تحلیل است.

بر اساس این چارچوب، الگوهای فضایی زمانی قابل استخراج اند که روابط میان سه دسته فضای باز، پوشیده و بسته در نمونه های متعدد تکرار شوند؛ بنابراین الگوهای فضایی در این پژوهش شامل ساختارهای تکرار شونده در نحوه استقرار حیاط نسبت به فضاهای بسته، جایگاه عناصر پوشیده به عنوان لایه های واسطه، نوع اتصال میان فضاهای داخلی، سلسله مراتب فضایی و مسیرهای حرکتی است. این چارچوب نظری مسیر تحلیل میدانی را مشخص کرده و مبنای شناسایی الگوهای فضایی و تبیین نقش روابط میان فضاهای باز، پوشیده و بسته در شکل گیری کیفیت زیست پذیری خانه های دوره پهلوی دوم قرار می گیرد.

تحلیل مفاهیم

یکی از چالش های اساسی در بررسی خانه های دوره پهلوی دوم در محله امانیه، وضعیت ناپایدار بخشی از نمونه ها بود. با وجود آن که محله بخش قابل توجهی از خانه های این دوره را حفظ کرده است، شماری از بناها در اثر تغییر کاربری، فرسودگی یا تخریب جزئی دچار دگرگونی شده اند و تنها برخی نمونه ها امکان تحلیل فضایی قابل اتکا را فراهم می کردند. محدودیت دسترسی به برخی بناها، بسته بودن خانه ها و نبود مدارک اولیه نیز دامنه مشاهده و تحلیل را محدود می کرد. با وجود این شرایط، تعدادی از خانه ها همچنان قابلیت خوانش فضایی داشتند و امکان مستندسازی آن ها فراهم بود. همین وضعیت، نقطه آغاز تحلیل الگوهای فضایی و بررسی روند تحول سازمان فضایی خانه های اهواز جدید در دوره پهلوی دوم را شکل داد.

۱. معرفی خانه های دوره پهلوی دوم اهواز جدید (نمونه های انتخابی)

در این پژوهش، تحلیل الگوهای فضاهای باز، پوشیده و بسته بر پایه تمام ۳۸ خانه شناسایی شده در محله امانیه انجام شده است؛ زیرا هدف در این مرحله، استخراج الگوهای کلی و تکرار شونده در نحوه سازمان دهی فضاها بود و حتی خانه هایی که بخشی از اصالت کالبدی خود را از دست داده اند نیز اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار فضایی ارائه می کردند. مشاهده بیرونی این ۳۸ خانه و بررسی وضعیت کلی آن ها امکان شناسایی الگوهای مشترک در نحوه شکل گیری فضاهای باز، پوشیده و بسته را فراهم ساخت و مبنایی برای تحلیل کلی سازمان فضایی این دوره ایجاد کرد. با این حال، برای تحلیل دقیق سازمان فضایی داخلی، لازم بود نمونه هایی انتخاب شوند که پلان معتبر، امکان برداشت فضایی و بیشترین میزان اصالت کالبدی را داشته باشند. بر همین اساس، از میان ۳۸ خانه بررسی شده، ۷ خانه که برداشت داخلی آن ها انجام شده و نقشه های قابل اتکا از آن ها در دست بود، به عنوان نمونه های اصلی برای معرفی و تحلیل سازمان فضایی داخلی انتخاب شدند.

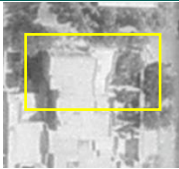
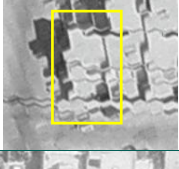
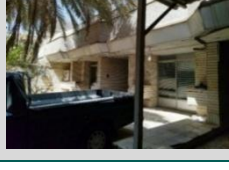
بنابراین:

– تحلیل فضاهای باز، پوشیده و بسته بر اساس تمام ۳۸ خانه انجام شده است.

– تحلیل سازمان فضایی داخلی و روابط میان فضاهای بسته بر مبنای ۷ خانه دارای پلان و برداشت کامل صورت گرفته است.

این رویکرد امکان می‌دهد تا از یک‌سو الگوهای کلی و تکرارشونده در کل مجموعه خانه‌ها شناسایی شود و از سوی دیگر، ساختار فضایی دقیق و جزئیات سازمان‌دهی فضاهای داخلی در نمونه‌های معتبر و قابل‌اتکا مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۱. معرفی نمونه‌های مورد پژوهش؛ خانه‌های منتخب از خانه‌های محله امانیه اهواز جدید دوره پهلوی دوم. تلویز: نویسندگان

خانه مورد مطالعه	توضیحات	محدوده سال ساخت	تصویر هوایی	تصویر
خانه شماره ۱	میدان مولوی - خیابان لقمان، نیش کوچه در شرقی	۱۳۵۰		
خانه شماره ۲	میدان ساعت، بلوار ساعت، خیابان سقراط شرقی	۱۳۵۰		
خانه شماره ۳	میدان هجرت، خیابان بودله، نیش خیابان در غربی	۱۳۵۰		
خانه شماره ۴	میدان مولوی - خیابان لقمان، خیابان سقراط شرقی	۱۳۵۶		
خانه شماره ۵	میدان ساعت، بلوار ساعت، خیابان منصفی شرقی	۱۳۵۶		
خانه شماره ۶	میدان مولوی، خیابان عارف	۱۳۵۶		
خانه شماره ۷	میدان مولوی، خیابان عارف، خیابان مستغان، آموزشگاه مهر	۱۳۵۶		

به منظور تکمیل معرفی نمونه‌های مورد مطالعه و ارائه شواهد میدانی، در ادامه پلان خانه‌های شناسایی شده در محله امانیه نمایش داده شده اند. این مجموعه (جدول ۲)، ساختار کلی سازمان فضایی هر خانه و نحوه استقرار فضاهای باز، پوشیده و بسته را در مقیاس واقعی نشان می‌دهد و مبنای تحلیل بخش‌های بعدی است.

جدول ۲. معرفی پلان خانه های مورد مطالعه. تدوین: نویسندگان



پلان های ارائه شده بیانگر تفاوت های جزئی و در عین حال تکرارپذیری روابط فضایی در نمونه های مختلف هستند. این شواهد میدانی، امکان دسته بندی سازمان فضایی خانه ها را فراهم کرده و پایه استخراج الگوهای فضایی در سه گانه فضایی باز - پوشیده - بسته را تقویت می کند.

۲. الگوی کلی سازمان فضایی (ارتباط فضاهای باز، پوشیده و بسته)

در خانه های دوره پهلوی دوم محله امانیه، سازمان فضایی خانه ها بر پایه سه لایه اصلی شکل می گیرد: فضاهای باز، فضاهای پوشیده و فضاهای بسته. این سه لایه، از بیرون به درون، مسیر ورود، کیفیت اقلیمی و ساختار سکونتی خانه را تعریف می کنند و تنها در کنار یکدیگر قابل فهم اند. فضاهای باز نقش جهت دهی و نورگیری را برعهده دارند، فضاهای پوشیده لایه میانی و تنظیم کننده حرارت و تهویه اند، و فضاهای بسته هسته سکونتی خانه را تشکیل می دهند برای فهم دقیق این سه گانه، لازم است الگوی کلی سازمان فضایی در یک ساختار واحد بررسی شود؛ ساختاری که نشان دهد هر دسته فضایی با چه شاخص هایی تعریف می شود، چه نقشی در زندگی روزمره دارد، چگونه سازمان می یابد و با دو دسته دیگر چه نوع ارتباطی برقرار می کند. جدول ۳. این سه دسته فضایی را در کنار یکدیگر قرار می دهد تا تصویر یکپارچه ای از سازمان فضایی خانه های امانیه ارائه شود.

جدول ۳. تحلیل الگوی کلی سازمان فضایی (ارتباط فضاهای باز، پوشیده و بسته) تدوین: نویسندگان

نوع فضا	الگوی غالب	شاخص‌های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	نوع سازمان فضایی	ارتباط با دو دسته دیگر
فضاهای باز	حیات یک ضلعی	تماس با یک ضلع بنا؛ محصوریت سه طرفه؛ نقش ورودی	نقش عملکردی بالا؛ نقش اقلیمی محدود	خطی - ورودی	جهت دهنده محور اصلی فضاهای بسته؛ اتصال مستقیم به فضاهای پوشیده
فضاهای پوشیده	حیات خلوت خدماتی/ترانس خطی	نیمه محصور؛ نقش تهویه و گذار؛ تماس با یک یا چند فضا	نقش واسطه؛ کنترل دیده تهویه	انتقالی - میانی	واسطه میان حیات و فضای بسته تنظیم کننده حریم و نورگیری
فضاهای بسته	الگوی برون‌گرا با حیات خلوت	حذف حیات پشت؛ حیات جلو+حیات خلوت خدماتی؛ نشیمن و پذیرایی رو به معبر؛ آشپزخانه متصل به حیات خلوت	نقش عملکردی بالا	خطی - محوری	وابسته به جهت گیری حیات؛ نیازمند فضاهای پوشیده برای تهویه و گذار

جدول ۳. نشان می‌دهد که سازمان فضایی خانه‌های امانیه بر پایه زنجیره پیوسته باز - پوشیده - بسته شکل گرفته است و هر دسته فضایی نقش مشخصی در این زنجیره دارد. فضاهای باز با الگوی خطی و سازمان محوری، جهت‌گیری بنا و مسیر ورودی را تعیین می‌کنند. شاخص‌های کلیدی این دسته - مانند تماس مستقیم با حیات و نقش ورودی - نشان می‌دهد که فضاهای باز نقطه‌ای آغاز سازمان فضایی‌اند و مسیر حرکت را به سمت فضاهای پوشیده و سپس فضاهای بسته هدایت می‌کنند. فضاهای پوشیده با سازمان انتقالی، لایه میانی میان حیات و فضاهای داخلی‌اند. شاخص‌های این دسته - مانند نقش تهویه، گذار حرارتی و تنظیم حریم - بیان می‌کند که فضاهای پوشیده ارتباط میان عرصه عمومی (حیات) و عرصه خصوصی (اتاق‌ها) را کنترل می‌کنند و مانع برخورد مستقیم فضای باز با فضاهای بسته می‌شوند. این لایه کیفیت اقلیمی و حریم خانه را تثبیت می‌کند.

فضاهای بسته با سازمان محوری - معبر محور، هسته سکونت‌ی خانه را تشکیل می‌دهند در این دوره، الگوی غالب فضاهای بسته برون‌گرا با حیات خلوت است؛ الگویی که در آن نشیمن و پذیرایی رو به معبر و حیات جلو جهت‌گیری می‌کنند، اتاق‌ها در طبقه بالا یا در مجاورت حیات خلوت قرار می‌گیرند و آشپزخانه خدماتی در مجاورت حیات خلوت سازمان می‌یابد. شاخص‌های این دسته نشان می‌دهد که فضاهای بسته بدون دو لایه دیگر قابل خوانش نیستند، زیرا جهت‌گیری و تهویه آن‌ها وابسته به موقعیت حیات و نقش تنظیمی فضاهای پوشیده است. در مجموع، سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم نه بر اساس یک عنصر غالب، بلکه بر اساس تعامل ساختاری سه لایه باز - پوشیده - بسته شکل گرفته است. این ساختار، برخلاف خانه‌های سنتی حیات محور، بر محور خطی - ورودی و لایه میانی پوشیده استوار است و در نمونه‌های بررسی شده قابل ردیابی است.

۳. الگوهای فضاهای باز

تحلیل ۳۸ خانه شناسایی شده در محله امانیه نشان می‌دهد که فضاهای باز، پایدارترین لایه سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم هستند؛ لایه‌ای که حتی در خانه‌های دگرگون شده نیز امکان خوانش فضایی را فراهم می‌کند. با وجود تخریب، تغییر کاربری و محدودیت دسترسی، بخش قابل توجهی از خانه‌ها همچنان قابلیت مشاهده بیرونی داشتند و همین امر امکان استخراج الگوهای تکرار شونده در نحوه استقرار فضاهای باز را فراهم ساخت. در این دوره، فضاهای باز عمدتاً در قالب «حیات» شکل گرفته‌اند و سایر انواع فضاهای باز یا بسیار محدود بوده‌اند یا در اثر تغییرات کالبدی از میان رفته‌اند؛ بنابراین، الگوهای فضاهای باز در این پژوهش بر اساس الگوهای استقرار حیات استخراج شده‌اند. در چارچوب نظری پژوهش، «الگو» ساختاری تکرار شونده در روابط فضایی است. بر همین اساس، الگوهای فضاهای باز نه بر اساس شکل ظاهری حیات، بلکه بر اساس نحوه استقرار، میزان محصوریت، نسبت آن با بنا، و نقش عملکردی - زیستی آن استخراج شده‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که فضاهای باز، نخستین لایه سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم هستند و حتی در نمونه‌های دگرگون شده نیز امکان خوانش فضایی را

فراهم می کنند. بررسی موقعیت، میزان محصوریت، نحوه تماس با بنا و نقش عملکردی - زیستی حیاطها نشان می دهد که فضاهای باز این دوره در قالب چهار الگوی اصلی قابل طبقه بندی اند. برای نمایش مقایسه ای این الگوها، ابتدا جدول تحلیلی الگوهای فضاهای باز ارائه می شود؛ جدول ۴. مبنای تحلیل تفصیلی چهار الگوی حیاط در ادامه است.

جدول ۴. الگوهای فضاهای باز: تدوین: نویسندگان

نام الگو	شاخص های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	نوع سازمان فضایی	فراوانی در ۳۸ خانه	نمونه های منتخب (۷ خانه)	تصویر الگو
حیاط های نیمه درونگرا	تماس با دو ضلع بنا؛ محصوریت نسبی؛ نورگیری مناسب؛ فاصله از الگوی مرکزی سستی	نقش اقلیمی محدود؛ نقش زیستی کاهش یافته؛ عملکرد متوسط	پیرامونی نیمه درونگرا؛ محور حرکتی مستقل از حیاط	۲-۳ خانه	خانه ۵ خانه ۱۱	
حیاط های دو طرفه محصور	دو حیاط مستقل در دو سوی بنا؛ محصوریت کامل؛ تماس هر حیاط با یک ضلع	نقش خدماتی؛ تهویه سرویس ها و آشپزخانه؛ نقش سکونت بسیار محدود	دو گانه تقنیک؛ دو عرصه مستقل بدون پیوند با فضای اصلی	۲-۳ خانه	خانه ۳ خانه ۱۹	
حیاط های سه ضلعی پیوسته	تماس با سه جبهه بنا؛ فضای باز پیوسته؛ بیشتری سطح تماس باز - بسته	نقش سکونت محدود؛ نقش تهویه و نورگیری قوی؛ نقش دسترسی	پیرامونی پیوسته؛ چرخش فضایی حول حیاط	۲-۳ خانه	خانه ۱۲ خانه ۲۸	
حیاط های یک ضلعی	تماس با یک ضلع بنا؛ محصوریت سه طرفه؛ ارتباط مستقیم با خیابان	نقش ورودی؛ توقف خودرو؛ نقش عملکردی بالا؛ نقش اقلیمی محدود	خطی ورودی؛ محور ورودی - نشیمن از حیاط عبور می کند	۳۳ خانه (الگوی غالب)	خانه ۹ خانه ۱۸	

(الف) حیاط های نیمه درونگرا: این الگو بیشترین شباهت را به الگوی سنتی دارد، اما نقش اقلیمی و زیستی آن نسبت به خانه های پیشامدرن کاهش یافته است. حیاط به دو ضلع بنا متصل است و امکان نورگیری و تهویه طبیعی را فراهم می کند. این الگو در تعدادی از ۳۸ خانه مشاهده شد. این الگو نشان دهنده گذار از حیاط مرکزی سنتی به حیاط نیمه متصل دوره پهلوی دوم است.

(ب) حیاط های دو طرفه محصور: در این الگو، دو حیاط در دو سوی بنا قرار دارند و هر یک با یک ضلع ساختمان در ارتباط اند. این الگو نفوذپذیری بصری و ارتباط با خیابان را افزایش می دهد و حیاط را از فضای درونی خانه جدا می کند. نقش حیاط در این الگو عمدتاً خدماتی و عملکردی است و کمتر به عنوان فضای زیستی مورد استفاده قرار می گیرد. این الگو بیشتر در خانه هایی دیده می شود که قطعه بندی مهندسی ساز و عرض زیاد زمین امکان ایجاد دو فضای باز را فراهم کرده است. این الگو در چند مورد از خانه ها با وضوح قابل قبول مشاهده شد.

(ج) حیاط های سه ضلعی پیوسته: این الگو بیشترین سطح تماس میان فضای باز و بسته را ایجاد می کند. حیاط در سه جبهه بنا امتداد دارد و به عنوان فضای باز پیوسته عمل می کند. با وجود این تماس گسترده، نقش سکونت حیاط محدود است و بیشتر برای نورگیری، تهویه و دسترسی کاربرد دارد. این الگو در خانه هایی دیده می شود که بنا در بخش مرکزی یا نیمه مرکزی زمین قرار گرفته و فضای باز پیرامونی نقش تنظیم کننده ی عملکردی دارد. این الگو در برخی از نمونه های اصیل تر مشاهده شد و در ۷ خانه منتخب نیز حضور دارد.

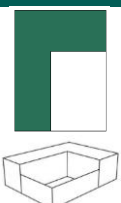
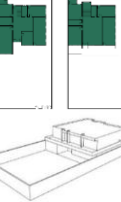
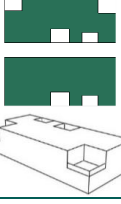
(د) حیاط های یک ضلعی (الگوی غالب دوره پهلوی دوم): این الگو رایج ترین نوع حیاط در خانه های دوره پهلوی دوم است. حیاط تنها از یک سمت با بنا در ارتباط است و از سه طرف محصور می شود. ارتباط مستقیم با خیابان باعث می شود حیاط نقش ورودی، توقف خودرو و مسیر عبور را ایفا کند. این الگو بیشترین فاصله را با الگوی سنتی دارد و نتیجه مستقیم شبکه بندی شطرنجی و قطعه بندی مهندسی ساز اهواز جدید است. در ۳۸ خانه، این الگو بیشترین تکرار را داشت و در ۷ نمونه منتخب نیز به صورت کامل قابل مشاهده است.

تحلیل ۳۸ خانه نشان می‌دهد که فضاهای باز در خانه‌های دوره پهلوی دوم محله امانیه در قالب چهار الگوی اصلی شکل گرفته‌اند. این الگوها نشان می‌دهند که در این دوره، حیاط از یک عنصر مرکزی سستی به عنصری تابع شبکه‌بندی شهری، قطعه‌بندی مهندسی ساز و نیازهای عملکردی - اقلیمی تبدیل شده است. این الگوها بنیان سازمان فضایی خانه‌ها را تشکیل می‌دهند.

۴. الگوهای فضاهای بسته

تحول سازمان فضایی خانه‌های امانیه در پنج گونه کالبدی، نه تنها تعداد و موقعیت حیاط‌ها را دگرگون کرده، بلکه نحوه سازمان‌دهی فضاهای بسته را نیز به صورت بنیادین تغییر داده است. در هر مرحله، جایگاه نشیمن، پذیرایی، اتاق‌ها و آشپزخانه در نسبت با فضاهای باز و پوشیده بازتعریف شده و این بازتعریف، الگوهای جدیدی در ارتباط سه‌گانه فضایی ایجاد کرده است. جدول ۵. تحلیل فضاهای بسته را در پنج گونه تحول، ارائه می‌کند.

جدول ۵. تحلیل الگوهای فضاهای بسته در خانه‌های دوره پهلوی دوم محله امانیه. نتون: نویسنده

نام الگو	شاخص‌های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	نوع سازمان فضایی	فراوانی در ۳۸ خانه	نمونه‌های منتخب (۷ خانه)	تصویر الگو و طراحی گرافیکی
الگوی نیمه درونگرا	نشیمن مرکزی؛ اتاق‌های پیرامونی؛ آشپزخانه در جبهه کم نمایان؛ ارتباط مستقیم با حیاط کوچک تراس‌های کوچک به عنوان لایه پوشیده	نشیمن هسته زیستی - اجتماعی؛ پذیرایی رو به حیاط؛ اتاق‌های نیمه خصوصی؛ آشپزخانه نیمه عمومی	سازمان فضایی محور حیاط - نشیمن؛ الگوی سستی درونگرا با ظهور لایه پوشیده	خانه ۲-۳	خانه ۵	
الگوی برونگرا با دو حیاط	تفکیک دو طبقه؛ طبقه همکف عمومی؛ طبقه بالا خصوصی؛ پذیرایی رو به حیاط جلو؛ اتاق‌ها رو به حیاط پشت؛ تراس‌های بزرگ	نقش عمومی - اجتماعی در همکف؛ خصوصی در طبقه بالا؛ روزمره در همکف	سازمان فضایی عمومی - دوگانه ورودی، نشیمن، راه پله، اتاق‌ها	خانه ۲-۳	خانه ۱۹	
الگوی برونگرا با سه حیاط	حیاط در سه جبهه؛ نشیمن رو به حیاط اصلی؛ اتاق‌ها و آشپزخانه در محاورت حیاط‌های فرعی؛ تراس بزرگ	نقش زیستی چند جهتی؛ اتاق‌ها با نورگیری چندگانه؛ تهویه چند جبهه‌ای	سازمان فضایی چند محوری - چند جهتی؛ مسیرهای حرکتی متوع	خانه ۲-۳	خانه ۱۲	
الگوی برونگرا با حیاط خلوت	حذف حیاط پشت؛ حیاط جلو+حیاط خلوت خلتی؛ نشیمن و پذیرایی رو به معبر؛ آشپزخانه متصل به حیاط خلوت	نقش عمومی تقویت شده؛ اتاق‌ها در طبقه بالا؛ آشپزخانه با نقش خدماتی - تهویه‌ای	سازمان فضایی معبر محور - دو طبقه؛ حیاط خلوت جایگزین حیاط پشتی	خانه ۲۷	خانه ۲۳ (الگوی غالب)	
الگوی کاملاً برونگرا	حذف کامل حیاط؛ سازمان خطی یا فشرده؛ تراس‌ها و بالکن‌ها تنها واسطه بیرونی؛ ارتباط مستقیم با معبر	نقش زیستی - اجتماعی در امتداد معبر؛ اتاق‌ها در طبقات بالا؛ آشپزخانه در جبهه شهری	سازمان فضایی خطی - شهری؛ فروپاشی الگوی سستی سه گانه	خانه ۵-۶	خانه ۲۱	

تحلیل پنج گانه تحول نشان می دهد که فضاهای بسته در خانه های امانیه، همزمان با تغییر الگوی سکونت، از ساختار سستی حیاط محور به ساختار شهری - معبر محور تغییر یافته اند. در گونه نیمه درون گرا، فضاهای بسته همچنان تابع محور حیاط - نشیمن هستند و الگوی درون گرایی حفظ شده است. در گونه برون گرا با دو و سه حیاط، سازمان فضایی از حالت تک محور به ساختار عمودی و چند جهتی تبدیل می شود و فضاهای بسته در چند جبهه متفاوت به فضاهای باز متصل می شوند. در گونه برون گرا با حیاط خلوت، نقش حیاط در سازمان دهی فضاهای بسته کاهش یافته و ارتباط مستقیم با معبر و حیاط خلوت جایگزین آن می شود. در نهایت، در گونه کاملاً برون گرا، فضاهای بسته تنها از طریق تراس ها و بالکن ها با بیرون ارتباط دارند و الگوی سستی سه گانه فضایی به طور کامل فرو می ریزد.

۵. الگوهای فضاهای پوشیده

فضاهای پوشیده در خانه های دوره پهلوی دوم محله امانیه، لایه میانی سازمان فضایی را تشکیل می دهند؛ لایه ای که میان فضاهای باز (حیاط) و فضاهای بسته (اتاق ها و نشیمن) قرار می گیرد و نقش واسطه، تنظیم کننده و سازمان دهنده دارد. برخلاف خانه های سستی که فضاهای پوشیده نقش اقلیمی و زیستی پررنگی داشتند، در این دوره فضاهای پوشیده بیشتر در خدمت کنترل دید، تهویه، نورگیری و تنظیم ارتباط میان عرصه های خصوصی و عمومی قرار می گیرند. در میان فضاهای پوشیده، حیاط خلوت، تراس و بالکن سه عنصر اصلی هستند که در ۳۸ خانه بررسی شده حضور دارند و هر یک در قالب الگوهای مشخص قابل تحلیل اند. در ادامه، ابتدا الگوهای حیاط خلوت و سپس تراس و بالکن بررسی می شوند.

۵.۱. الگوهای حیاط خلوت

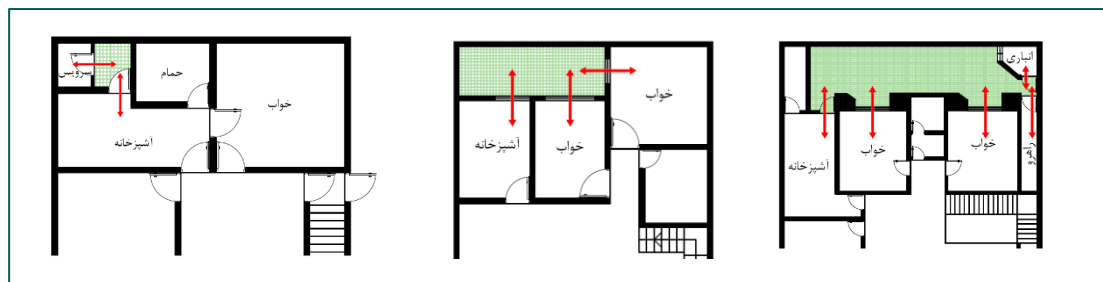
حیاط خلوت یکی از مهم ترین فضاهای پوشیده در خانه های دوره پهلوی دوم است؛ فضایی نیمه باز - نیمه داخلی که نقش تهویه، نورگیری و تکمیل سازمان فضایی داخلی را ایفا می کند. تحلیل ۳۸ خانه نشان می دهد که حیاط خلوت ها در سه الگوی اصلی قابل طبقه بندی اند.

جدول ۶. الگوهای حیاط خلوت در خانه های دوره پهلوی دوم محله امانیه. تدوین: نویسندگان

نام الگو	شاخص های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	نوع سازمان فضایی	فراتوانی در ۳۸ خانه	نمونه های منتخب (۷ خانه)
حیاط خلوت خدماتی	کنار آشپزخانه؛ محصوریت بالا؛ تماس با یک یا دو فضا	تهویه و نورگیری؛ نقش خدماتی؛ عدم استفاده زیستی	جانبی خدماتی؛ محور مستقل	خانه ۱۴-۱۶	خانه ۹
حیاط خلوت نیمه خصوصی	در عمق پلان؛ تماس با اتاق ها؛ محصوریت نسبی	نورگیری غیر مستقیم؛ نقش آرام؛ حریم متوسط	درونی - نیمه خصوصی؛ محور پیرامونی	خانه ۱۰-۱۲	خانه ۲۷
حیاط خلوت مرکزی - میانی	در مرکز پلان؛ تماس با چند فضا؛ محصوریت کم	تهویه مرکزی؛ نقش گذر؛ نقش سازماندهی	میانی - پیرامونی؛ هسته نیمه باز	خانه ۶-۸	خانه ۳۳

الف) حیاط خلوت خدماتی کنار آشپزخانه: این الگو رایج ترین نوع حیاط خلوت است. در کنار آشپزخانه قرار می گیرد و نقش اصلی آن تهویه، نورگیری و دفع رطوبت است. محصوریت بالا و تماس محدود با فضاهای داخلی باعث می شود این فضا تقریباً هیچ نقش زیستی نداشته باشد.

ب) حیاط خلوت نیمه خصوصی میان اتاق ها: در عمق پلان و میان اتاق ها قرار می گیرد. نقش نورگیری غیرمستقیم، تهویه ی اتاق ها و ایجاد یک فضای آرام نیمه خصوصی را دارد. این الگو بیشتر در خانه هایی دیده می شود که اتاق ها در بخش عقب تر یا آرام تر خانه قرار گرفته اند.



شکل ۱. انواع الگوهای حیاط خلوت: به ترتیب از راست به چپ؛ حیاط خلوت خدماتی؛ حیاط خلوت نیمه خصوصی؛ حیاط خلوت مرکزی-میان. تدوین: نویسندگان

ج) حیاط خلوت مرکزی-میان: کم‌فرآوان‌تر اما بسیار شاخص است. در مرکز پلان قرار می‌گیرد و نقش هسته‌ای نیمه‌باز را ایفا می‌کند؛ فضایی که چند اتاق، نشیمن یا آشپزخانه به آن باز می‌شوند. این الگو بیشترین نقش سازمان‌دهی را دارد.

۵.۲. الگوهای تراس و بالکن

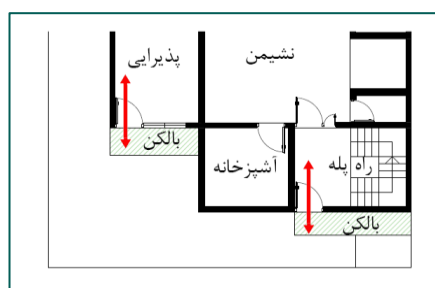
تراس و بالکن در خانه‌های دوره پهلوی دوم، فضاهای پوشیدهای هستند که نقش اتصال میان فضای داخلی و محیط بیرونی را ایفا می‌کنند. برخلاف خانه‌های سنتی که ایوان نقش اقلیمی و زیستی داشت، تراس و بالکن در این دوره بیشتر نقش دید، تهویه و گسترش فضایی محدود دارند. تحلیل ۳۸ خانه نشان می‌دهد که تراس و بالکن در دو الگوی اصلی قابل طبقه‌بندی‌اند.

جدول ۷. الگوهای تراس و بالکن در خانه‌های دوره پهلوی دوم محله اماتیه، تدوین: نویسندگان

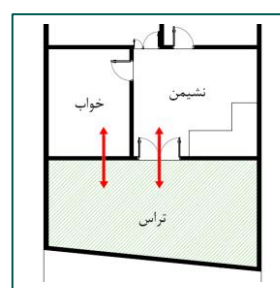
نام الگو	شاخص‌های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	نوع سازمان فضایی	فرآوانی در ۳۸ خانه	نمونه‌های منتخب (۷ خانه)
تراس خطی در جبهه اصلی	در جبهه جنوبی یا شرقی؛ امتداد خطی؛ تماس با نشیمن	نقش دید؛ نقش تهویه؛ نقش گسترش فضایی محدود	خطی - اتصال؛ امتداد نشیمن	خانه ۱۵-۱۲	خانه ۳، خانه ۵
بالکن گوشه‌ای	در گوشه؛ بنه تماس با یک اتاق؛ ابعاد کوچک	نقش دید محدود؛ نقش تهویه؛ نقش حلقه‌ای در سازمان فضایی	گوشه‌ای؛ تابع قطعه بندی	خانه ۱۰-۸	خانه ۶، خانه ۷

الف) تراس خطی در جبهه اصلی: این الگو رایج‌ترین نوع تراس است. در جبهه‌ی جنوبی یا شرقی قرار می‌گیرد و امتداد خطی دارد. نقش اصلی آن دید، تهویه و گسترش فضایی محدود برای نشیمن است.

ب) بالکن گوشه‌ای: در گوشه‌ی بنا قرار می‌گیرد و معمولاً تنها با یک اتاق در تماس است. نقش دید محدود و نقش تهویه دارد و در سازمان فضایی نقش حلقه‌ای ایفا می‌کند.



شکل ۲. الگوی بالکن گوشه‌ای؛ خانه شماره ۳۲. تدوین: نویسندگان



شکل ۳. الگوی تراس خطی در جبهه اصلی؛ خانه شماره ۳. تدوین: نویسندگان

۶. گونه شناسی انواع جز فضا

۶.۱. تحلیل الگوهای مشترک جزء فضاهای داخلی (نشیمن، پذیرایی، آشپزخانه، اتاق خواب)

در خانه های دوره پهلوی دوم، چهار جزء فضای اصلی - نشیمن، پذیرایی، آشپزخانه و اتاق خواب - به صورت یک سامانه پیوسته سکونتی عمل می کنند. نشیمن و پذیرایی هسته عرصه عمومی - خصوصی خانه را می سازند؛ آشپزخانه فضای میانجی میان عرصه روزمره و خدماتی است؛ و اتاق خواب ها هسته خصوصی و آرام خانه اند. تحلیل خانه ها نشان می دهد که این چهار فضا در ارتباط مستقیم با یکدیگر و تابع سه عامل کلیدی اند: جهت گیری حیاط، نقش فضاهای پوشیده (تراس، بالکن، حیاط خلوت) و سازمان فضایی بسته داخلی. نشیمن معمولاً رو به حیاط و در امتداد تراس قرار می گیرد و کیفیت بصری خانه را تعیین می کند؛ پذیرایی در نزدیکی ورودی و با حیاط ارتباط نیمه مستقیم دارد و نقش رسمی تر دارد؛ آشپزخانه بسته به الگوی خانه یا در امتداد نشیمن قرار می گیرد یا با حیاط خلوت تکمیل می شود؛ و اتاق خواب ها در بخش آرام تر خانه و در پیوند با فضاهای پوشیده درونی سازمان می یابند. این ارتباط ها نشان می دهد که سازمان فضایی خانه های این دوره نه بر اساس یک عنصر منفرد بلکه بر اساس تعامل عملکردی و فضایی جزء فضاها شکل گرفته است.

جدول ۸. تحلیل الگوهای مشترک جز فضاهای داخلی، تلونین: نویسندگان

جز فضا	نقش اصلی	شاخص های کالبدی - فضایی	ارتباط با فضاهای باز/پوشیده/بسته	الگوی غالب
نشیمن	فضای روزمره خانوادگی	هسته مرکزی؛ نورگیری غیر مستقیم؛ تماس غیر مستقیم با حیاط؛ تماس با چند فضا	وابسته به پیش فضای مرکزی؛ ارتباط غیر مستقیم با حیاط	نشیمن مرکزی
پذیرایی	فضای رسمی؛ نیمه عمومی	نزدیکی به ورودی؛ محصوریت متوسط	پیش فضای ورودی؛ ارتباط نیمه مستقیم با حیاط	پذیرایی مستقل
آشپزخانه	فضای خدماتی؛ نیمه اجتماعی	نورگیری مستقیم؛ محور خدماتی	حیاط خلوت؛ ارتباط با نشیمن	آشپزخانه رو به حیاط خلوت
اتاق خواب	فضای خصوصی؛ آرام	محصوریت بالا، قرارگیری در بخش پشتی	حیاط خلوت؛ ارتباط با تراس/بالکن	اتاق خواب انتهایی

۶.۲. تحلیل جداگانه الگوهای جز فضاهای داخلی

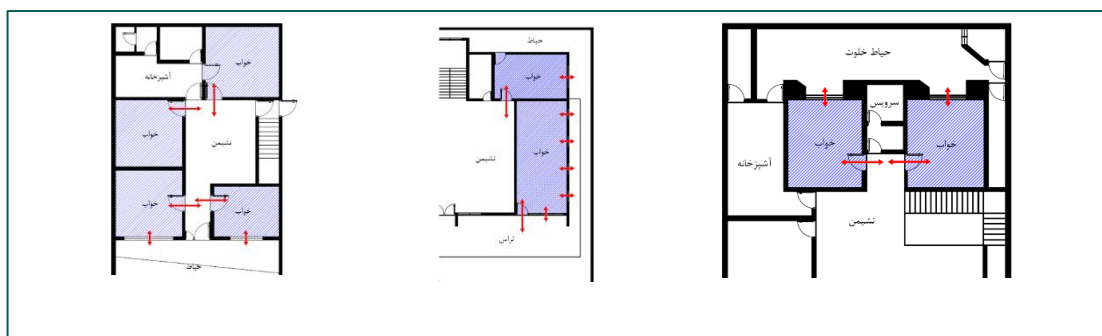
الف) الگوهای اتاق خواب در خانه های دوره پهلوی دوم

اتاق خواب ها در خانه های دوره پهلوی دوم معمولاً در بخش آرام تر و پشتی خانه قرار می گیرند و بیشترین وابستگی را به فضاهای پوشیده درونی (حیاط خلوت، راهروی داخلی) دارند. سه الگوی اصلی در میان ۳۸ خانه قابل تشخیص است.

جدول ۹. تحلیل الگوهای اتاق خواب در خانه های دوره پهلوی دوم، تلونین: نویسندگان

نام الگو	شاخص های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	ارتباط با فضاهای باز/پوشیده/بسته	نمونه منتخب
اتاق خواب انتهایی	قرارگیری در انتهای محور حرکتی؛ محصوریت بالا	بیشترین حریم خصوصی؛ نقش آرام	وابسته به حیاط خلوت برای تهویه؛ دور از حیاط	خانه ۲۷
اتاق خواب جانبی	قرارگیری در یکی از اضلاع بنا؛ نورگیری جانبی	حریم متوسط؛ تهویه مستقل	تماس با تراس/بالکن؛ وابسته به فضاهای پوشیده بیرونی	خانه ۱۶
اتاق خواب پشت سر هم	قرارگیری پشت سر هم در یک محور خطی	حریم کم؛ نقش روزمره قوی	تابع پلان کشیده؛ وابسته به راهروی داخلی	خانه ۱۳

اتاق خواب‌ها بیشترین وابستگی را به فضاهاى پوشیده درونی دارند. الگوی انتهایی بیشترین حریم را ایجاد می‌کند و در خانه‌هایی با محور خطی - ورودی دیده می‌شود. الگوی جانبی با تراس و بالکن پیوند دارد و کیفیت بصری بهتری دارد. الگوی پشت‌سرهم محصول پلان‌های کشیده دوره پهلوی دوم است و نشان‌دهنده سازمان فضایی عملکردی‌تر نسبت به خانه‌های سنتی است.



شکل ۴. انواع الگوهای اتاق خواب: به ترتیب از راست به چپ: اتاق خواب انتهایی؛ اتاق خواب جانبی؛ اتاق خواب پشت سرهم. تدوین: نویسندگان

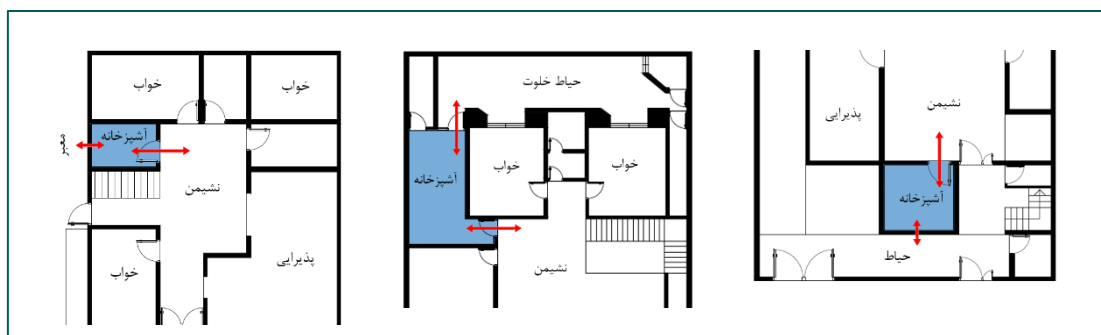
ب) الگوهای آشپزخانه در خانه‌های دوره پهلوی دوم

آشپزخانه در این دوره از یک فضای کاملاً خدماتی سنتی به یک فضای نیمه اجتماعی تبدیل می‌شود. موقعیت آن تابع حیاط‌خلوت، محور خدماتی و ارتباط با نشیمن است.

جدول ۱۰. تحلیل الگوهای آشپزخانه در خانه‌های دوره پهلوی دوم. تدوین: نویسندگان

نام الگو	شاخص‌های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	ارتباط با فضاهای باز/پوشیده/پیوسته	نمونه منتخب
آشپزخانه رو به حیاط	قرارگیری در جبهه حیاط؛ نورگیری مستقیم	نقش روزمره قوی؛ تهویه مطلوب	ارتباط مستقیم با حیاط؛ ارتباط با نشیمن	خانه ۳۳
آشپزخانه نیمه خصوصی	میان نشیمن و فضای پوشیده؛ نورگیری غیر مستقیم	نقش روزمره متوسط؛ حریم بیشتر	وابسته به حیاط خلوت؛ ارتباط غیر مستقیم با حیاط	خانه ۳۷
آشپزخانه داخلی	در عمق پلان؛ بدون تماس با حیاط	نقش خدماتی؛ تهویه مطبوع	وابسته به حیاط خلوت برای تهویه	خانه ۳۲

آشپزخانه‌ها بیشترین وابستگی را به حیاط‌خلوت دارند. الگوی رو به حیاط بهترین کیفیت اقلیمی را دارد. الگوی نیمه‌خصوصی نقش روزمره قوی‌تری دارد و میان نشیمن و فضای پوشیده قرار می‌گیرد. الگوی داخلی محصول محدودیت‌های قطعه‌بندی است و بدون حیاط‌خلوت قابل استفاده نیست.



شکل ۵. انواع الگوهای آشپزخانه: به ترتیب از راست به چپ: آشپزخانه رو به حیاط؛ آشپزخانه نیمه خصوصی؛ آشپزخانه داخلی. تدوین: نویسندگان

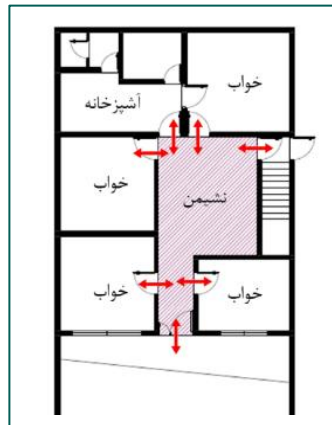
ج) الگوهای نشیمن در خانه های دوره پهلوی دوم

نشیمن فضای تجمع خانوادگی است و بیشترین ارتباط را با فضاهای باز (حیاط) و پوشیده (تراس) دارد.

جدول ۱۱. تحلیل الگوی نشیمن در خانه های دوره پهلوی دوم، تدوین: نویسندگان

نام الگو	شاخص های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	ارتباط با فضاهای باز/پوشیده/پسته	نمونه منتخب
نشیمن مرکزی	قرارگیری در مرکز پلان؛ تماس با چند فضا	نقش تجمعی قوی؛ حریم متوسط	وابسته به پیش فضای مرکزی؛ ارتباط غیر مستقیم با حیاط	خانه ۱۳

در این الگو، نشیمن به عنوان هسته سازمان فضایی عمل می کند و نقش مرکز توزیع را در ساختار داخلی خانه برعهده دارد. استقرار نشیمن در مرکز پلان موجب شکل گیری الگوی مرکز - پیرامون شده است؛ الگویی که در آن مسیرهای حرکتی به صورت چند جهتی از نشیمن منشعب می شوند و دسترسی به اتاق های خواب، آشپزخانه و پله طبقه بالا همگی از این فضا صورت می گیرد. چنین نظامی بیانگر جایگاه نشیمن در سازمان دهی عرصه های سکونت است و الگوی رایج نشیمن در خانه های دوره پهلوی دوم محله امانیه است.



شکل ۶. الگوی نشیمن، تدوین: نویسندگان

د) الگوهای پذیرایی در خانه های دوره پهلوی دوم

پذیرایی فضای رسمی تر خانه است و معمولاً از نشیمن جدا می شود. نقش آن تابع ورودی نیمه محصور و عرصه عمومی است.

جدول ۱۲. تحلیل الگوهای پذیرایی، تدوین: نویسندگان

نام الگو	شاخص های کالبدی - فضایی	نقش عملکردی - زیستی	ارتباط با فضاهای باز/پوشیده/پسته	نمونه منتخب
پذیرایی مستقل	نزدیک ورودی؛ رو به حیاط؛ مستقل و تفکیک شده از نشیمن	نقش رسمی؛ تقویت مرز میان عمومی و نیمه خصوصی	وابسته به ورودی نیمه محصور؛ تماس با حیاط	خانه ۲۷
پذیرایی پیوسته	در یکی از اضلاع بنا؛ تماس با نشیمن	حریم خصوصی نسبی؛ مرز کم رنگ میان جمعی و نیمه خصوصی	ارتباط غیر مستقیم با حیاط؛ تماس با نشیمن	خانه ۳۱

بررسی دو الگوی ارائه شده نشان می دهد که سازمان فضایی پذیرایی در خانه های دوره پهلوی دوم در دو صورت عمده شکل گرفته است. در الگوی نخست، نشیمن و پذیرایی بدون واسطه در امتداد یکدیگر قرار دارند و یک واحد پیوسته جمعی را تشکیل می دهند. این پیوستگی موجب می شود نشیمن نقش هسته توزیع را برعهده گیرد و مسیرهای حرکتی اصلی خانه از طریق آن سازمان یابد؛ وضعیتی که با الگوی مرکزی همخوان است. در الگوی دوم، نشیمن و پذیرایی از یکدیگر تفکیک شده اند و هر کدام در جایگاه مستقل خود عمل می کنند. پذیرایی در امتداد محور ورودی قرار دارد و نقش فضای عمومی مهمان پذیر را ایفا می کند، درحالی که نشیمن به عرصه روزمره خانواده نزدیک تر است. این

جدا سازی، سازمان فضایی را به سمت الگوی خطی - ورودی محور سوق می‌دهد و مرز میان عرصه عمومی و نیمه خصوصی را تقویت می‌کند. این دو الگو نشان می‌دهند که پذیرایی در نمونه‌های بررسی شده یا در قالب یک فضای پیوسته با نشیمن عمل می‌کند، یا به صورت مستقل و در امتداد محور ورودی سازمان می‌یابد؛ تفاوتی که نقش مهمی در شکل‌گیری حریم، مسیرهای حرکتی و خوانش کلی سازمان فضایی خانه دارد.



شکل ۷. انواع الگوهای پذیرایی: به ترتیب از راست به چپ؛ حیاط خلوت خدماتی؛ پذیرایی مستقل؛ پذیرایی پیوسته. تدوین: نویسندگان

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه بر پایه تعامل پیوسته سه گانه فضاهای باز، پوشیده و بسته شکل گرفته است. حیاط، به عنوان فضای باز اصلی، جهت‌گیری بنا، محور ورود و کیفیت بصری خانه را تعیین می‌کند؛ فضاهای پوشیده - از جمله حیاط خلوت، تراس و بالکن - نقش واسط میان بیرون و درون را برعهده دارند و گذار، تهویه و تنظیم حریم را سامان می‌دهند؛ و فضاهای بسته شامل اتاق‌ها، نشیمن، پذیرایی و آشپزخانه، هسته سکونتی خانه را تشکیل می‌دهند و سازمان فضایی داخلی را تثبیت می‌کنند. مطابق جدول شماره ۲، تلفیقی سه گانه فضایی نشان داد که این سه لایه نه به صورت مستقل، بلکه در قالب یک ساختار پیوسته و وابسته به یکدیگر عمل می‌کنند و الگوی غالب سازمان فضایی این دوره را شکل می‌دهند. گونه‌شناسی جزء فضاهای داخلی نیز نشان داد که اتاق خواب، آشپزخانه، نشیمن و پذیرایی تابع همین ساختار سه گانه‌اند و در ارتباط با یکدیگر سازمان می‌یابند. اتاق خواب‌ها در بخش آرام‌تر خانه و در پیوند با فضاهای پوشیده درونی قرار می‌گیرند؛ آشپزخانه بسته به موقعیت حیاط خلوت و محور خدماتی، نقش خدماتی - نیمه اجتماعی پیدا می‌کند؛ و نشیمن و پذیرایی، در قالب الگوهای جلویی - روبه حیاط، جانبی - پیرامونی و مرکزی - درونی، هسته عرصه عمومی - خصوصی خانه را می‌سازند. تحلیل مشترک این جزء فضاها نشان داد که سازمان سکونتی این دوره بر پایه تفکیک عملکردی (روزمره/رسمی، عمومی/خصوصی) و پیوند مستقیم با سه گانه فضایی شکل گرفته است. این نتایج در مجموع نشان می‌دهد که خانه‌های دوره پهلوی دوم در محله امانیه از الگوی سستی حیاط مرکزی فاصله گرفته و به سمت سازمان فضایی خطی - ورودی با لایه میانی پوشیده حرکت کرده‌اند؛ الگویی که در ۳۸ خانه بررسی شده تقریباً به صورت یک ساختار مشترک قابل ردیابی است. با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همچون وابستگی به نمونه‌های موجود دشواری دسترسی به برخی بناها و کمبود اسناد دقیق از مراحل تحول کالبدی خانه‌ها مواجه بوده است. این محدودیت‌ها بر دامنه تحلیل تأثیر گذاشته‌اند، اما مانع از استخراج الگوهای فضایی منسجم نشده‌اند. بر اساس این الگوها، امکان گسترش پژوهش در آینده از طریق مقایسه سازمان فضایی خانه‌های امانیه با سایر محلات اهواز یا دیگر شهرهای دوره پهلوی دوم فراهم است؛ مقایسه‌ای که می‌تواند میزان تکرارپذیری، تفاوت‌های اقلیمی و تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی را در شکل‌گیری الگوهای فضایی روشن‌تر کند. در نهایت، این پژوهش تصویری یکپارچه و دادمحور از سازمان فضایی خانه‌های دوره پهلوی دوم ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که ساختار سکونتی این دوره بر پایه تعامل سه لایه باز -

پوشیده - بسته و ارتباط عملکردی جزء فضاها شکل گرفته است؛ تصویری که می‌تواند در تحلیل‌های معماری، گونه‌شناسی مسکن و مطالعات تطبیقی دوره پهلوی دوم مورد استفاده قرار گیرد.

دستاورد پژوهش

پژوهش حاضر با تحلیل ۳۸ خانه دوره پهلوی دوم در محله امانیه، به شناسایی یک نظم فضایی تکرارشونده و قابل تعریف دست یافته است؛ نظمی که بر پایه تعامل ساختاری سه‌گانه باز - پوشیده - بسته شکل می‌گیرد و نشان می‌دهد که حتی معماری مهندسی‌ساز و دستوری این دوره نیز از یک منطق فضایی پایدار تبعیت می‌کند. یافته‌ها آشکار می‌سازند که حیاط جهت‌گیری و محور ورود را تعیین می‌کند، فضاها پوشیده لایه واسط و تنظیم‌کننده گذار میان بیرون و درون هستند و فضاها بسته در قالب الگوهای فرمی - عملکردی منسجم سازمان می‌یابند. اهمیت این دستاورد در آن است که برای نخستین بار ساختار فضایی این خانه‌ها نه به صورت توصیفی، بلکه به صورت الگوهای قابل طبقه‌بندی و قابل تعمیم بازسازی شده و بدین ترتیب خلأ موجود در ادبیات معماری معاصر ایران را پر می‌کند. این نتایج می‌توانند در تحلیل تطبیقی محلات دیگر اهواز و شهرهای دوره پهلوی دوم، ارزیابی کیفیت زیست‌پذیری مسکن و بازتولید الگوهای فضایی در طراحی امروز به کار گرفته شوند. همچنین مسیرهای آینده پژوهش شامل بررسی تفاوت‌های اقلیمی، تحلیل تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی بر سازمان فضایی و مقایسه الگوهای استخراج‌شده با سایر نمونه‌های مسکن معاصر است.

ملاحظات اخلاقی و اطلاعات تکمیلی

برگرفته از پایان نامه: «این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد شیرین حیدری است که با راهنمایی دکتر محسن افشاری و مشاوره دکتر روح الله مجتهدزاده در دانشگاه هنر اصفهان دفاع گردیده است.»

تعارض منافع: «نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ گونه تعارض منافع شخصی، مالی یا حرفه‌ای در رابطه با پژوهش حاضر و انتشار این مقاله ندارند.»

پی‌نوشت

1. Bruno Zevi (1918-2000)
2. Friedrich Wilhelm Joseph Schelling (1775-1854)
3. Alois Riegl (1858-1905)
4. Heinrich Wölfflin (1864-1945)
5. August Schmarsow (1853-1936)
6. Pierre von Meiss (1938-2020)
7. Henri Lefebvre (1901-1991)
8. Malakouti, M., & Norouzian-Maleki, S (2025)
9. Mohaghegh et al (2026)
10. Ramezani et al (2024)
11. Anatol Borisovich Rapoport (1911-2007)
12. Jörg Kurt Gruter (1794-1871)
13. Rudolf Arnheim (1904-2007)
14. Christopher Alexander (1936-2022)

منابع

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۶). سرشت نظم‌گریه جلد اول: پدیده حیات (ترجمه: رضا سیروس صبری و علی اکبری؛ چاپ چهارم). نشر پرهام نقش.
- پوراحمد احمد، حبیبیان، بهار، و احمد نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر فضای کالبدی شهر اهواز. مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های هنر معماری و شهرسازی نظر، دوره ۱۳ (۳۹)، ۲۵-۳۸. <https://sid.ir/paper/356029/fa>
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۹۳). نقش فضا در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خاکپور، مژگان و انصاری، مجتبی و طاهرینان، علی. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشته‌نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲ (۴۱)، ۳۹-۴۲. [20.1001.1.22286020.1389.2.41.3.0](https://doi.org/10.1001.1.22286020.1389.2.41.3.0)
- خواججه برج سفیدی، آرمان، و سلطانی، علی. (۱۳۹۲). شبیه‌سازی و تحلیل الگوی رشد شهری کلان‌شهر اهواز با استفاده از مدل ترکیبی مارکوف - سلول‌های خودکار. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی صفه، دوره ۲۳ (۳)، ۱. [20.1001.1.1683870.1392.23.3.5.1](https://doi.org/10.1001.1.1683870.1392.23.3.5.1)
- قلمبردزفولی، مریم، محمد، نقی‌زاده، و حمید ماجدی. (۱۳۹۵). تبیین مبانی عوامل مؤثر بر شاخص‌های کیفی مسکن. نشریه هویت شهر، دوره ۱۲ (۳۶)، ۹۷-۱۱۰. [10.71793/hoviatshahr.2018.793054](https://doi.org/10.71793/hoviatshahr.2018.793054)
- رأی‌پورته، آموس. (۱۳۹۸). انسان‌شناسی مسکن (ترجمه: خسرو افشاریان؛ چاپ چهارم). نشر کتابکده کسری.
- رجبعلی، حسن. (۱۳۹۲). ویژگی‌ها و روند تحول معماری خانه‌های گرگان در دوره قاجاریه و پهلوی اول [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان]. اصفهان: اصفهان.
- رحمانی، سارا و ندیمی، حمید (۱۳۹۸). تأملی در کیفیت و معنی محیط. مجله باغ نظر، دوره ۱۶ (۷۱)، ۵۱-۶۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.86873>
- روح‌الامین، سارا. (۱۴۰۱). واکنش و ویژگی‌های فضایی حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان]. اصفهان: اصفهان.
- رودولف آرنه‌هایم. (۱۳۹۴). پویه‌شناسی صور معماری (ترجمه: مهرداد قیومی بید هندی). نشر سمت.
- زاع، لیلا، نقی‌زاده، محمد، و حریری، شراره. (۱۳۹۰). رابطه طبیعت و جیاط مرکزی (با نگاه به معماری مسکن ایرانی - کاشان). نشریه هویت شهر، دوره ۶ (۱۲)، ۴۹-۶۰. <https://sanad.iau.ir/Journal/hoviatshahr/Article/795396>
- زیاری، کرامت‌الله، آروین، محمود و فرهادی خواه حسین. (۱۳۹۶). ارزیابی وضعیت شاخص‌های مسکن‌گزینی در شهر (نمونه موردی: شهر اهواز). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۹ (۳۰)، ۴۹-۶۳. <https://sanad.iau.ir/Journal/ums/Article/824639>
- زوی، برنو. (۱۳۸۸). چگونه به معماری بنگریم (ترجمه: فریده گرمان). نشر شهیدی.
- سامه، رضا. (۱۳۹۶). تأملی بر مفهوم کیفیت در معماری. دوفصلنامه اندیشه معماری، دوره ۲ (۳)، ۴۴-۶۴. <https://www.magiran.com/p1880205>
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۶). خانه در فرهنگ ایرانی (مفاهیم و بعضی از کاربردها). نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطانی، مهرداد، منصوری، امیر، و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۱). تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. نشریه علمی باغ نظر، دوره ۹ (۲۱)، ۳-۱۴. <https://sid.ir/paper/125367/fa>
- عطاریان، کورش، و صفرعلی نجار، بهناز. (۱۳۹۷). تبیین معیارهای پایداری اقلیمی در ابنیه سکونت اقلیم گرم و مرطوب (نمونه موردی: خانه‌های سنتی اهواز). فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، دوره ۱ (۳)، ۱۶۱-۱۷۰. [20.1001.1.23224991.1397.8.3.3.9](https://doi.org/10.1001.1.23224991.1397.8.3.3.9)

عینی‌فر، علیرضا، و قاضی زاده، سیده ندا. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی ایران با معیار فضای باز. *نشریه آرمان‌شهر*، دوره ۳ (۵)، ۳۵-۴۶.
<https://sid.ir/paper/202545/fa>

فن مایس، پیر. (۱۳۸۴). *عناصر معماری از صورت تا مکان* (ترجمه: فرزین فردانش؛ چاپ سوم). نشر دانشگاه شهید بهشتی.

قاسمی سیجانی، مریم، و معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان. *نشریه هویت شهر*، دوره ۴ (۷)، ۸۷-۹۴.
[20.1001.1.17359562.1389.4.7.9.4](https://doi.org/10.22034/bagh.2024.466500.5632)

کریم زاده، سحر، پاکدل فرد، محمدرضا، مطیعی، بابک، و درسخوان، رسول. (۱۴۰۳). واکاوی تأثیر سبک زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های معاصر ایران (نمونه موردی: فضای نشیمن در خانه‌های دوره پهلوی ارومیه). *نشریه علمی باغ نظر*، دوره ۲۱ (۱۴۰)، ۶۱-۷۸.
<https://doi.org/10.22034/bagh.2024.466500.5632>

گروتر، یورگ کورت. (۱۳۸۸). *زیبایی‌شناسی در معماری* (ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد عبدالرضا همایون).

لوفور، هانری. (۱۳۹۶). *فضا: فرآورده اجتماعی و ارزش مصرفی؛ از کتاب «درآمدی بر تولید فضایی هانری لوفور»*. (ترجمه: آیدین ترکمه؛ ویرایش ۲). نشر تیسرا.

مقالی، ریحانه. (۱۳۹۶). *رابطه میان کمیت و کیفیت در خانه‌های قاجاری نیر با عرصه (زمین) کوچک* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان]. اصفهان: اصفهان.

مجتهدزاده، روح‌الله، و نام‌آور، زهرا. (۱۳۹۱). *در جستجوی هویت شهری اهواز*. نشر مرکز تحقیقات راه - مسکن و شهرسازی.

مسائلی، صدیقه. (۱۳۸۹). مسکن خرمشهر از الگوی بومی تا ضوابط طراحی. *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۳ (۴۵)، ۶۳-۷۶.
[20.1001.1.22286020.1390.3.45.6.8](https://doi.org/10.22286020.1390.3.45.6.8)

مسعودی (۱۳۹۱)، ۱۰ فروردین. بازدید ساختمان‌های اهواز نو. روزنامه اطلاعات شماره ۴۱۴۲.

معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه‌شناسی برون‌گرا)*. نشر سروش دانش.

معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه‌شناسی درون‌گرا)*. نشر سروش دانش.

معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). *سیری در مبانی نظری معماری*. نشر سروش دانش.

نعمتی، محمد. (۱۳۹۱). *بررسی مفهوم فضا در معماری خانه‌های تاریخی اصفهان دوره صفویه و قاجار* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان]. اصفهان: اصفهان.

Malakouti, M., & Norouzian-Maleki, S. (2025). Spatial reconfiguration of Iranian traditional houses to explore effective strategies of flexibility using space syntax analysis. *J Hous and the Built Environ* 40, 65-100.
<https://doi.org/10.1007/s10901-024-10158-x>

Mohaghegh, N., Samadi, M., & Raie, H. et al. (2026). Patterns in the spatial configuration of historic houses in the village of Abyaneh: a comparative study using space syntax. *J Hous and the Built Environ*.
<https://doi.org/10.1007/s10901-026-10298-2>

Ramezani, N., Soheili, J., & Khatibi, M. (2024). Evaluation of the Spatial Structure Transformation in Traditional Iranian Houses, in Combination with Urban Space of Tehrans First Modern Streets. *International Journal of Architecture and Urban Development* Vol, 14(2). <https://www.magiran.com/p2780752> . [In Persian].